

نگاه

روایتی از رنج‌بچه‌های ایران



دکتر محمدسار دوستی نسب
عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

● فیلم سینمایی «بیست‌وسه نفر» که بخشی از خاطرات ۲۳ نفر از اسرای نوجوان ایرانی را پس از سال‌ها از وقوع این حوادث به تصویر کشیده، حالا در معرض نمایش قرار گرفته است. احتمالا این نکته به ذهن هر بیننده‌ای خطور می‌کند که این فیلم تا چه حد موفق به بازتاب شرایط و کیفیات ملموس این واقعه شده است؟ این همان نکته‌ای بود که برای من و دوستم، احمد یوسف‌زاده که از یک‌سو شاهد عینی ماجرا بوده و افتخارا مشاور این اثر هنری بوده‌ایم نیز از روز اول تبدیل به یک دغدغه شده بود. روزی که قرار بود نسخه نهایی و بدون موسیقی این فیلم را به ما نشان بدهند، استرس زیادی داشتیم. سبب آن هم به این برمی‌گشت که مشتاق بودیم بدانیم آیا فیلم توانسته بین خاطرات ما و سکانس‌هایش ارتباط معناداری ایجاد کند؟ در تمام مدت پخش این فیلم، اشک از دیدگان احمد جاری بود. من که هنوز خودم را به حال احساساتم رها نکرده بودم، فقط گهگاهی اشکی می‌غلطاندم. اما دلم را توفان احساسات و شفقت نسبت به دوستانم درنوریده بود. شاید این‌همه مقاومت در برابر احساساتم دیگر لازم نبود. همه سکانس‌ها برعنا از مقابل چشمان شگفت‌زده من می‌گذشت. حالا فهمیده بودم هنر معجزه‌گر هفتم، توانسته است مرا به عمق گذشته و سیاه‌چال استخبارات پرتاب کند. در این پرتگاه آرام در دستان خاطرات خفته‌ام می‌اندام و در تصاویری که آفریده بودیم غرق در پرهای نوازشگر شوروحال آن زمان، مستانه محو می‌شدم. این فقط یک فیلم نبود، بلکه قالیچه سلیمان بود که ما را با خود به نوجوانی‌مان و سرنوشت تلخمان می‌برد. کارگردان فیلم، بازیگرانش را با نام‌های مستعار نامیده بود تا بتواند دیالوگ‌های واقعی را از زبان هنرمندانی که بانمک‌تر یاشان می‌کردند به سماع بینندگان برسانند، اما ما می‌دانستیم که سبنای فیلم من هستم و اینکه منصور ما کدام هنرمند است. بی‌پیرایه بگویم موفق بود و ما را راضی و گریان کرده بود. نمره مستندبودنش را تماما از ما گرفت. درامایش رنگ عینیت داشت. مبالغه‌ای در کار نبود. اما اعتراف می‌کنم خشونت زندان و زندانیان را مهربانانه‌تر نشان داده بود. سکانس‌های این فیلم کمی لطیف‌تر از حوادث آنجا رقم می‌خورد. این هم بد نیست، چراکه روایتگر ما کمی هم ملاحظه اعصاب بینندگانش را کرده است. آری مادران و پدرانی که از تصاویر ما به یاد دلنشانان می‌افتند، سزاوار ملاحظه‌اند. داستان این فیلم روایتگر همان ایام ابتدای سفر غریبانهای را به تصویر می‌کشد که هشت‌سال‌وسه‌ماه‌و۱۶ شب طول کشید.

روزشایش پیشکش زندانیان‌ها و ارتش بی‌رحم بعث باشد. روزهایش هم از شب بدتر بود. اما امروز از جمع ۲۳ نفر، سیدعباس پر کشیده است. برخی بچه‌ها هم به‌شدت بیمارند. حال باقی هم به عظمت این ملت خوش و به سختی‌هایش ناخوش است. شاید این جملات من را بعد از ما هم بخوانند. بله، تصدیق می‌کنم داستان فیلم را. بله، تأیید می‌کنم احساسات صادقانه‌ام را. بله، ی‌ساور می‌کنم روایت فیلم از رنج بچه‌های ایران را. آری این فیلم به ۲۳ نفر خودباوری می‌دهد. حسی از ادای دین نسبت به ملت را در ما زنده می‌کند. خیلی سربلندیم از اینکه آزمونی را گذراندم که برای بزرگ‌تر از ما هم سخت بود. ما را با زل‌زل‌های رسانه به همادری فراخوانده بودند، اما داور زمانه دست منصور ۱۳ساله را به‌عنوان برنده بالا برده بود! فیلم ۲۳ نفر بازسازی دقیق این نبرد است. این‌همه موفقیت هنری نتیجه تلاش کارگردان محترم، آقای مهدی جعفری و تهیه‌کننده عزیز، آقای فرآورده و همکاران نازنینشان است. گوارایشان باد.

خبر

تورج شعبانخانی درگذشت

● تورج شعبانخانی، آهنگ‌ساز موسیقی پاپ، در ۶۹ سالگی در پی ابتلا به عارضه ربوی دار فانی را وداع گفت.
شعبانخانی فعالیت حرفه‌ای موسیقی خود را با موسیقی متن و آهنگ‌سازی فیلم «ادمک» و معرفی فریدون فروغی شروع کرد. او با بسیاری از هنرمندان موسیقی ایرانی نیز همکاری داشته است.

این هنرمند بعد از انقلاب به همراه تعداد معدودی از خوانندگان و هنرمندان در ایران ماند و در این سال‌ها ضمن آهنگ‌سازی برای خوانندگان قدیمی، با هنرمندان بسیاری نظیر رضا آریایی، ناصر عبداللهی و محمدرضا عیوضی همکاری داشته است.

او متولد ۱۳۲۹ بود که ترانه «بهار بهار» یکی از آثار ماندگار این هنرمند به حساب می‌آید.



● **فیلم «بیست‌وسه نفر»** موضوع بدیعی دارد. بیشتر، از این‌رو که درباره جنگ صحبت می‌کند، اگرچه جنگ در آن نقش محوری ندارد. فیلم بیش از هر چیز، روی روابط انسانی و مقاومت تکیه می‌کند. مقاومت معنای بزرگی دارد و فیلم هم بر همین مفهوم استوار است. همین ویژگی باعث می‌شود بسیاری از مفاهیم جاری در فیلم اکنون هم تعمیم‌پذیر باشد. در فیلم، بچه‌ها بدون اینکه خودشان بخواهند به مرور دید سیاسی پیدا می‌کنند؛ موضوعی که فیلم‌نامه هم به خوبی از عهده‌اش برآمده است. این تعبیر فیلم که با مقاومت می‌توان به آزادی و رهایی رسید، بسیار کلیدی و راهگشاست و می‌تواند موضوع خوبی برای شروع بحث باشد.

مهدی جعفری (کارگردان)، موافقم، گذشته

از مفهوم رهایی؛ قیمتی که برای آزادی پرداخته می‌شود هم بسیار مهم است.

● **بله**. سربلند بیرون آمدن از این مقاومت، حس خوشایندی القا می‌کند. اما رهایی الزاما مسیر کوتاه‌مدتی نیست. گاهی مثل آنچه در فیلم می‌بینیم تا هشت سال باید صبر کرد. بچه‌هایی که اسیر شده‌اند، پیشنهاد سقر به فرانسه را رد می‌کنند. آنها فرانسه را برای رهایی انتخاب نمی‌کنند. همین‌جا دوباید شکل می‌گیرد. اینکه مفهوم آزادی و رهایی از یک‌دیگر تمیز داده می‌شود. اگر آزادی می‌خواهی می‌توانی به فرانسه سفر کنی، ولی اگر رهایی می‌خواهی باید به زندان برگردی. درواقع این مفهوم شکل می‌گیرد که برای رسیدن به رهایی نباید به آزادی رسید؛ به عبارتی آزادی شرط کافی برای رهایی نیست.

جعفری: در ابتدای داستان ظاهرا این‌طور بوده که بچه‌ها ساختن کالی از این معنا نداشته‌اند و کم‌کم در طول مسیر سخت و فرساینده این پروژه تبلیغاتی به آن آگاهی لازم دست می‌یابند. اهمیتی هم ندارد. من اسمش را یک جور معرفت وجودی می‌گذارم. هر شخصی در شرایط پیچیده بر سر دوراهی انتخاب قرار می‌گیرد. گاهی به حکم غریزه دست به انتخاب می‌زند و گاهی با آگاهی و شعور. و شما موافقم که مفهوم رهایی با آزادی متفاوت است و بچه‌ها در این داستان به دنبال رهایی بودند.

● **مفهومی که می‌تواند رنگ‌وبوی سیاسی به فیلم بدهد.** اما نه سیاست به شکل رایجی که می‌شناسیم؛ بلکه به معنای مقاومت. گاهی این موضوع به ذهن می‌رسد که شاید بهتر بود اگر کمی جنبه‌های رفقار بچه‌ها را پررنگ‌تر می‌دیدیم. به نظر می‌رسد بچه‌هایی با این سن‌وسال که در اسارت دست به اعتصاب می‌زنند قطعا مشکلات بزرگ و پیچیده‌ای داشته‌اند. در صورتی که بروز رفتارهای کودکانه از آنها دور از انتظار نیست.

جعفری: البته صحنه‌هایی هم برای بیان آنچه مدنظر شماست فیلم‌برداری شد، اما در مرحله تدوین به لحاظ ریتم و ساختار ترجیح دادیم استفاده نکنیم. واقعیت این است که ما با یک جهان بزرگ و پیچیده در این داستان مواجه بودیم. یکی از ملاحظات ما در حین ساخت این فیلم نمایش هرچه واقعی‌تر قهرمانان داستان بود؛ برخلاف بسیاری از فیلم‌های دفاع مقدس که عکس این موضوع رخ می‌دهد، سعی کردم در میزانش و بازی‌ها برخوردی واقع‌گرایانه داشته باشم. خوشبختانه در فاصله نمایش‌های پرانگند فیلم تاکنون واکنش‌های خوبی از سوی مخاطبان و منتقدان فیلم در تأیید باورپذیربودن ماجرا و بازی‌ها دریافت کرده‌ایم. ما سعی کردیم بیننده با آدم‌های فیلم ارتباط برقرار کند و با فیلم پیش بیاید. قطعا اگر «بیست‌وسه نفر» سریال بود، آن‌قدر زمان داشتیم‌که قدری بیشتر به زوایای شخصی و روحی آدم‌ها بپردازیم. من مدت‌ها قبل از ساخت این فیلم، مستندی از بیست‌وسه نفر ساخته بودم. مصاحبه‌هایی که با این بیست‌وسه نفر

هنر



گفت‌وگو با کارگردان و تهیه‌کننده فیلم ۲۳ نفر

سیاست و جنگ هم‌زاد یکدیگرند

بهناز شیربانی: «بیست‌وسه نفر» ماه‌ها پیش نخستین بار در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش گذاشته شد؛ فیلمی روایتگر خاطره‌ای نه‌چندان دور در تاریخ جنگ ایران و عراق. خاطره‌ای تلخ برای بازماندگان و غافلگیرکننده برای مخاطبانی که روایتی از ۲۳ نوجوان زمان جنگ را تصویر شده می‌دیدند؛ خاطره‌ای نزدیک که برای شنیدنش گوش لازم نیست، کافی است کمی با قلبمان روزگاری که بر آنها رفته است را لمس کنیم. ۲۳ نوجوان کم‌سن‌وسال که در میانه‌های جنگ به اسارت گرفته می‌شوند و حالا در جهانی دیگر فارغ از کودگانه‌هایشان باید تصمیمی بزرگ بگیرند؛ تصمیمی که تماما رنگ‌وبوی سیاست می‌دهد. تصمیم آنها تحمل شرایط سخت اسارت به جای آزادی در کشوری غیر از ایرانشان بود. اما سووی دیگر این روایت هم مردی نشسته که سرگذشتش عجیب و باورنکردنی است. ملاصالح سرنوشت حیرت‌انگیزی دارد؛ مردی که در زمان شاه، جنگ و پس از آن در زندان بوده و تا پای چوبه دار رفت و معجزه او را به زندگی برگرداند و حالا در سالخوردگی از خاطراتش می‌گوید و حتی به آنها لیخند می‌زند. این دو روایت در کنار هم روایت فیلم را شکل داده است. حکایت این ۲۳ نفر که یکی از میانشان بخت آخرت پوشید، همچنان شنیدن است؛ چه آن زمان که مستندی درباره‌شان ساخته شد و چه زمانی که تصمیم گرفته شد مهدی جعفری در مقام کارگردان و مجتبی فرآورده به عنوان تهیه‌کننده همراه با بازیگرانی نوجوان خاطرات را تصویر کنند. گفت‌وگو با مهدی جعفری و مجتبی فرآورده فارغ از چگونگی تصویرکردن این خاطرات، بخش دیگری داشت، رهایی و آزادی در این فیلم به خوبی از یکدیگر تمیز داده شده است. بحث از همین‌جا آغاز می‌شود و حول محور واقعیت‌هایی که به وجود آمده و حقیقت‌هایی که گفته شد، ادامه‌دار شد. این گفت‌وگو بازخوانی دیگری از به‌تصویرکشیدن این خاطره و داستان است که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

به نظرم سخت بود.

جعفری: خیلی... دوست داشتم قصه زندگی صالح هم سهمی در این فیلم داشته باشد و البته سهمی کاملا مرتبط با داستان اصلی. صالح از جمله انسان‌های خاص تاریخ معاصر ماست. ایشان در سه دوره متمم و به اعدام محکوم شده بود. در دوران قبل از انقلاب فعالیت سیاسی و مذهبی داشته و زندان‌های طولانی‌مدت را کشیده است، در دوره جنگ اسیر شده و تا پای مرگ رفته و بعد از بازگشت به ایران هم در اثر یک سوءتفاهم به جاسوسی محکوم و حکم اعدامش صادر شده بود. به نظرم زندگی صالح به خودی خود جنبه‌های سینمایی جذابی دارد. ظاهرا تا مدت‌ها بعد از آزادی وی و روشن‌شدن حکم قضائی او، منعی برای پرداختن به ماجرای زندگی‌اش وجود داشت ولی بعدها به لطف سیدعلی‌اکبر ابوترابی، پدر معنوی آزادگان و شهادت عده زیادی از هم‌راهان و هم‌بندان صالح، از او رفع اتهام می‌شود. وقتی در سال ۸۵ مستند ۲۳ نفر را می‌ساختم این‌ا امکان به‌وجود آمد که جزئیات بیشتری به زندگی صالح بپردازم و در طول پژوهش و ساخت آن مجموعه، به گواهی ۲۳ نفر تصویر متفاوت و ناز‌زاه‌ای از او در حافظه تاریخی ما ثبت شد. طوری که بعد از تماشای آن مستند برخی از افرادی که در جریان پخش فیلم جلسه ملاقات با صدام به صالح قاری مشکوک شده بودند، متوجه واقعیت تلخ پشت صحنه آن جلسه شده و از تصور اشتباهی که درباره این مرد بزرگ داشتند، پشیمان شدند. از حیث فیلم تدوین منمونه که حمایتش در ساخت و پخش این مستند باعث شد تا این رفح سوءتفاهم در سطح گسترده‌تری در ایران صورت گیرد. بنابراین اصرار داشتم در فیلم «بیست‌وسه نفر» هم کمی از صالح گفته شود. پرداختن به زندگی او به عنوان یک قصه فرعی در این فیلم کار آسانی نبود چراکه باید مراقب می‌بودیم که روایت ما دوباره نشود و تماشاگر در پایان با هر دو قهرمان یعنی گروه ۲۳ نفر و صالح قاری همدلی کرده و آنها را تحسین کند.

● **آقای فرآورده درباره شخصیت‌پردازی این بیست‌وسه نفر صحبت کنیم.** از ابتدا نگاه شما به این قصه چطور بود؟
مجتبی فرآورده (تهیه‌کننده): در این باره یعنی جزئیات رابطه بچه‌ها در فیلم، باید بگویم برخی از موقعیت‌ها در سینما آن‌طور که در صحبت‌ها و تئوری‌ها جذاب به نظر می‌آیند، در تصویر سینمایی خیلی باورپذیر از آب در نمی‌آید. نمی‌دانم این مشکل عقبه فرهنگی دارد یا موضوع دیگری در آن دخیل است؛ در حقیقت در سینمایی‌کردن برخی «آن‌ها نمی‌توان طرف‌های لازم اعمال کرد. این موضوع مدت‌ها ذهن‌ما مشغول کرده



بود. نمی‌دانم این چیست که حرفش را خوب می‌زنیم و خوب هم تحلیل می‌کنیم اما در اجرا همه چیز، آن‌طور که باید، درست کنار هم نمی‌نشیند. قطعا این موضوع پاشنه آشیل بسیاری از فیلم‌هاست.

جعفری: نکته دیگری هم هست. اینکه ما خواسته یا ناخواسته با یک مسئله و چالش در فرامتن این قصه روبه‌رو بودیم. یادمان باشد این قصه اقتباس از واقعیت است و ما با شخصیت‌های زنده‌ای روبه‌رو هستیم که آن شرایط را تجربه کرده‌اند. هر کدام از این بیست‌وسه نفر حق اعتراض به اینکه واقعیت را قلب کرده‌ایم، داشتند. هر کدام از آنها در نگارش قصه بیست‌وسه نفر همکاری خوبی با ما داشتند و به ما اعتماد کردند و البته قرار نبود چیزی خلاف واقعیت در داستان وارد کنیم. با خودمان قرار گذاشته بودیم که واقعیت را مخدوش نکنیم و این پازل را طوری کنار هم چیدیم که برای مخاطب هم جذاب باشد. اتفاقا زمانی که با آنها مصاحبه می‌کردم، دنبال ریز-تفاوت‌ها در اردوگاه بودم. اینکه قدرد را هم اختلاف نظر داشتند. چه دیالوگ‌هایی پیشنهاد ردوبدل می‌شد؟ هیچ‌کدام هم خبر نداشتند که دیگری درباره چه موضوعی با ما صحبت کرده است. قطعا چین این صحبت‌ها کنار هم و رسیدن به یک ساختار مستحکم برایم جذاب بود. با اینکه به عنوان فیلم‌ساز در برگردان سینمایی این حق را داشتم‌که روایت و برداشت کاملا شخصی خودم را داشته باشم اما همچنان وفاداربودن به «واقعیت» برایم یک اصل مهم‌تر بود. ما در مرز باریک و خطرناکی راه می‌رفتیم، اینکه اقتباس چگونه انجام شود که هم به «واقعیت» آسیب نزنیم و هم جذابیت سینمایی اثر حفظ شود.

● **در واقع پرسش این است که این آدم‌ها در چنین لحظاظ ترنشن و سختی، چقدر ترسیده یا حتی دچار تردید شده بودند.**

جعفری: بله اینها هم انسان هستند. طبعاً می‌توانستند ترسیده یا خودشان را باخته باشند. یکی از موضوعاتی که در ساخت این فیلم ذهن‌ما را در سخت مشغول کرده بود، این بود که چطور این فیلم را بسازیم که سخنرانی نکرده باشیم؟ داستانی که باید روایت می‌شد به خودی خود غیرقابل باور بود. قطعا دست از این ماجرا هم کار آسانی نبود. دست و پای ما از چند جهت بسته بود. یکی از مسائل مهم در ساخت فیلم این بود که چون دربار‌ه واقعیت بیست‌وسه نفر فیلم می‌سازیم باید همگی آنها از قصه رضایت قلبی داشته باشند. این وظیفه اخلاقی ما بود. قطعا جلب رضایت تک‌تک ۲۳ نفر و درواقع ۲۴ نفر، کار آسانی نبود. در چنین شرایطی، به‌اصطلاح زیادکردن نمک و قفل‌ل برخی جزئیات داستان هم کار را سخت‌تر می‌کرد. قطعا چیزی‌های به داستان

اضافه کردیم یا از آن کاستیم، اما دخل و تصرف در بخش اعظم داستان امکان‌پذیر نبود. دوست داشتم در برخی جاها اتفاقاتی را اضافه کنم بیشتر از آنچه اکنون می‌بینید یا اینکه چطور دیالوگ‌نویسی کنیم که لحن آدم‌ها شعاری نشود و در عین حال به واقعیت آنها هم وفادار باشیم؟ بعد می‌دیدم اصلا آدم‌های آن دوره کمی شعاری زندگی می‌کردند، لحن و ادبیات مقاومت می‌طلب که حماسی و شعاری باشد اما در سینما نمی‌شود به بهانه بایبندی به واقعیت آن لحن شعاری را تماما حفظ کرد. وقتی تحت تأثیر واقعه‌ای مثل جنگ هستیم، همه وقایع شکل دیگری پیدا می‌کند. اگر دیالوگ‌ها جور دیگری نوشته می‌شد، ممکن بود همه چیز غیرواقعی جلوه کند. باید تعادل خاصی را رعایت می‌کردیم، نه شعار می‌دادیم و نه از اصل جنس آن آدم‌ها غافل می‌شدیم طوری که تماشاگر جوان امروزی، هم آدم‌های این فیلم را باور کند و با موضوع آن ارتباط بگیرد و هم با یک مشت آدم واقعی و مستند مربوط به همان دوران طرف باشد.

ادامه در صفحه ۱۲

دریچه

اعلام نتایج نهایی پنجمین دوره جایزه شعر شاملو اثری برگزیده‌نشد ۲ شاعر تقدیر شدند

● هیئت داوران مرحله دوم پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو در بیانیه‌ای اعلام کرد که این جایزه امسال برگزیده‌ای نخواهد نداشت.
به گزارش ستاد خبری پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو، در این بیانیه آمده است:
«جایزه شعر احمد شاملو که امسال پنجمین دوره خود را پشت‌سر گذاشت، در پی کشف افق‌های تازه در شعر معاصر است. افقی که تنها به داشتن نگاهی تازه به جهان و زبان بسنده نمی‌کند، بلکه در پی منظری هستی‌شناسانه است که در آن شاعر «درد و امید مردم را با استخوان خویش پیوند می‌زند». او شاهد صادق زمانه‌اش است و از این طریق به حضور خود در جهان معنا می‌بخشد؛ مسئولیتی سنگین برآمده از حقیقتی که شعر را «نه یاسمین و سنبل گلخانه فلان» که تامل‌انگیز، ژرف و فرزند اصیل جامعه می‌خواهد. هم‌سنگ تعهد اجتماعی، تعهد در قبال زبان، شناخت آن و احاطه و به‌کارگیری امکانات و ظرفیت‌های آن، بخشی مهم از کار شاعر است که شعر، جهان را از طریق زبان تجربه می‌کند.»
اگر فکر کنیم که شعر در زبانی زاده می‌شود که از خلال روایت قاموسی کلمات و ایجاد روابط من‌درآوردی و غیرمنطقی در اجزای جمله به وجود می‌آید، به برهانه رفته‌ایم».
در سنت شعری که نیمای شاعر بنیان نهاد و احمد شاملو پی گرفت، جهان شعر در مواجهه عمیق و تکیه شاعر با تجربه زندگی بنا می‌شود؛ مسیری که به اجتماعی‌کردن من فردی شاعر می‌انجامد. ستنی که در آن «شعر برداشت‌هایی از زندگی نیست، بلکه یکسره خود زندگی است». در پایان، با نظر به اینکه آثار رسیده به مرحله دوم این دوره از نظر اکثریت هیئت داوران پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو به تمام‌وکمال واجد شاخص‌ها و معیارهای یادشده نبوده و از سوی دیگر هیچ‌یک از این آثار به حدصاب امتیازی که از سوی دبیرخانه در نظر گرفته شده است دست نیافته‌اند، اثری به‌عنوان مجموعه‌شعر برگزیده پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو معرفی نمی‌شود. اما هیئت داوران دو مجموعه شعر «و من فقط نگاه می‌کنم» سروده افسانه مرادی و «سفر سفر» سروده وحید داور را شایسته تقدیر می‌دانند.
هیئت داوران پنجمین دوره جایزه شعر احمد شاملو: علیرضا آیین، حسین پاینده، مشیت علایی، محمدرضا فرزاد».
گفتنی است مراسم اختتامیه این جایزه که هر سال در تاریخ ۲۱ آذر، در سالروز تولد احمد شاملو برگزار می‌شد، امسال برگزار نخواهد شد.

معرفی نامزدهای کلدن گلوب ۲۰۲۰

● انجمن مطبوعات خارجی هالیوود (HFPA) عصر روز دوشنبه اسامی نامزدهای افتادو هفتمین دوره جوایز سالانه کلدن گلوب را در دو بخش سینما و تلویزیون اعلام کرد. تیم آلن، داکوتا فانینگ و سوزان کلجی واتسن در هتل بوریلیتلن در بوریلی هیلز، کالیفرنیا اسامی نامزدها را فرانت کردند. در بخش سینما، درام «داستان ازدواج» از تنقلیکس، به کارگردانی نوا یامبک با شش نامزدی بیشتر شناس را برای دریافت جوایز کلدن گلوب ۲۰۲۰ دارد؛ یک نامزدی بیشتر از درام جنایی «مرد ایرلندی»، تازه‌ترین ساخته مارتین اسکورسیزی و دیگر فیلم تنقلیکس که از شروع فصل جوایز سینمایی با استقبال بسیار خوب منتقدان روبه‌رو شده است. «روزی روزگاری در هالیوود» کوئنتین تارانتینو نیز پنج نامزدی به دست آورده است. «داستان ازدواج» و «مرد ایرلندی» هر دو در بخش بهترین فیلم درام نامزد شده‌اند و در این بخش فیلم جنگی «۱۹۱۷» به کارگردانی سام مندس، فیلم پسرروصدای «جوکر» با بازی واکین فینیکس و فیلم «دو پاپ» با بازی جاناتان پرایس و آنتونی هاپکینز را به‌عنوان رقیب پیش‌روی خود دارند. «جوکر» و «دو پاپ» هرکدام چهار نامزدی به دست آورده‌اند. «روزی روزگاری در هالیوود» در بخش بهترین فیلم موزیکال یا کم‌مدی با فیلم‌های «جوجو خرگوش»، «چاقوها بیرون»، «مراکت‌من» و «اسم من دولمایت است» رقابت می‌کند. مندس، اسکورسیزی و تارانتینو در بخش بهترین کارگردان نیز نامزد هستند. بونگ جون هو، کارگردان کره‌ای برای فیلم تحسین‌شده «انگل» و تاد فلیپس، کارگردان «جوکر»، دیگر نامزدهای این بخش هستند. تارانتینو برای «روزی روزگاری در هالیوود» نامزد جایزه بهترین فیلم‌نامه هم هست و در این بخش با فیلم‌نامه‌نویسان فیلم‌های «داستان ازدواج» (بامبک)، «انگل» (بونگ جون هو و جان جین وون)، «دو پاپ» (آنتونی ماکرزن) و «مرد ایرلندی» (استیون زیلیان) رقابت می‌کند. کریستین بیل برای «فورد در برابر فراری»، آنتونینو باندرااس برای «رنج و افتخار»، آدام درایور برای «داستان ازدواج»، واکین فینیکس برای «جوکر» و جاناتان پرایس برای «دو پاپ» در بخش بهترین بازیگر مرد درام نامزد شده‌اند. نادیده گرفته‌شدن رابرت دنیرو برای کار خود در فیلم «مرد ایرلندی» یکی از شگفتی‌های نامزدهای این بخش است.

در بخش بهترین بازیگر زن درام نیز چهره‌های مشهوری مانند اسکارلت جوהانسن (داستان ازدواج)، سرشا رونان (زنان کوچک)، شارلیز ترون (خبرنگاران دهنده) و ونی زلوگر (جووی) نامزد هستند. سینتیا اربوو برای بازی در فیلم «هریت» دیگر نامزد این بخش است.